



RESEARCH ARTICLE

The Principles of Criminal Policy-making in Cyberspace: from Divergence to Convergence

Mohammad Hadi Sadeghi¹, Shahram Ebrahimi², Mohammad Naeimi Nezhad^{3*}

1. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Shiraz University, Shiraz, Iran


Email: sadeghi@shirazu.ac.ir

2. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Shiraz University, Shiraz, Iran

Email: shahram.ebrahimi@gmail.com

3. PhD student of criminal law and criminology, Shiraz University, Shiraz, Iran

* Corresponding Author's Email: mohamad.naeimi96@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97826>

Received: 26 December 2023

Accepted: 9 March 2024

ABSTRACT

Regarding the Cyberspace, as much as mere opportunistic views can be harmful, the threatening perception of this space also brings unwanted consequences. The main reason for adopting the above two extreme approaches is the lack of specific Criminal policy-making. In the light of public policy literature, the present research explores and presents the principles of Criminal policy-making and its manifestations (criminal policy and penal policy) with a descriptive-analytical method. The ten research findings suggest; First, the principles of "the stability of the fundamentals of the real and cyber world", "necessity of maintaining privacy security", "sustainability and sustainable development" and "creating a balance between values" should be the headlines of Criminal policy-making, and then regarding the participation of society in the field of criminal policy, the principles "Justice-oriented", "transparency" and "maintaining social cohesion and acceptance of cultural diversity" should be used, and finally, to achieve the desired penal policy, the principles of "gradual criminalization", "needs-oriented" and "Timeliness and changeability" should be on the agenda.

Keywords: Criminal Policy-Making, Cyberspace, Sustainability and Sustainable Development, Justice-Oriented.

Citation: Sadeghi, Mohammad Hadi; Ebrahimi, Shahram; Naeimi Nezhad, Mohammad (2024). The Principles of Criminal Policy-making in Cyberspace: from Divergence to Convergence. *Iranian Journal of Public Policy*, 10 (1), 158-176.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97826>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

اصول سیاست‌گذاری جنایی در فضای مجازی: از واگرایی تا همگرایی

محمد‌هادی صادقی^۱، شهرام ابراهیمی^۲، محمد نعیمی‌نژاد^{۳*}

۱. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
رایانامه: sadeghi@shirazu.ac.ir

۲. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
رایانامه: shahram.ebrahimi@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
* رایانامه نویسنده مسئول: mohamad.naeimi96@gmail.com

تاریخ دریافت: ۵ دی ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97826>

چکیده

درخصوص فضای مجازی به همان اندازه که نگاه‌های فرصت‌محور صرف می‌تواند آسیب‌زا باشد، برداشت تهدیدگونه از این فضا نیز پیامدهای ناخواسته‌ای را به همراه دارد. عمده‌ترین دلیل اتخاذ دو رویکرد افراط و تفریطی فوق، فقدان وجود سیاست‌گذاری جنایی مشخص است. پژوهش حاضر در پرتو ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، اصول سیاست‌گذاری جنایی و نمودهای آن (سیاست جنایی و سیاست کیفری) را با روش توصیفی-تحلیلی، کشف و ارائه می‌نماید. یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌دهد؛ نخست، اصول «ثبات مبانی دنیای واقعی و مجازی»، «ضرورت حفظ امنیت حریم خصوصی»، «قابلیت پایداری و توسعه پایدار» و «ایجاد تعادل بین ارزش‌ها» سرلوحه سیاست‌گذاری جنایی باشد و سپس درخصوص سهیم کردن جامعه در عرصه سیاست جنایی، اصول «عدالت‌محوری»، «شفافیت» و «حفظ انسجام اجتماعی و پذیرش تنوع فرهنگی» به کار گرفته شود و درنهایت برای دستیابی به سیاست کیفری مطلوب اصول «تدرج در تجزیم»، «نیازمحوری»، «حفظ منافع عالیه کودک و خانواده» و «زمان‌مندی و تغییرپذیری» در دستور کار قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری جنایی، فضای مجازی، اصل قابلیت پایداری و توسعه پایدار، اصل عدالت‌محوری.

استناد: صادقی، محمد‌هادی؛ ابراهیمی، شهرام؛ نعیمی‌نژاد، محمد (۱۴۰۳). اصول سیاست‌گذاری جنایی در فضای مجازی: از واگرایی تا همگرایی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۰ (۱)، ۱۷۶-۱۵۸.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97826>

ناشر: دانشگاه تهران.



مقدمه

از آنجا که مسائل عمومی جامعه از طریق اجرای خطمشی‌های کلان حل می‌شوند و مبانی ارزشی و هنجاری جامعه هم به مدد آنها قوام و دوام می‌یابند نباید صرفاً به اموری چون قانونگذاری کیفری یا تدوین طرح و لوایح برای کاهش عناوین مجرمانه دلخوش بود و مقدم بر وضع قانون باید نقشه راه ترسیم گردد. لذا از دهه نیمه دوم قرن بیستم میلادی که مفهوم «سیاستگذاری عمومی»^۱ در قالب یک رشته دانشگاهی ظهور پیدا کرد، پا را از اقلیم مفهوم مجرد و انتزاعی «سیاست»^۲ در معانی کلاسیک و صرفاً هرمنوتیکی آن فراتر نهاد و دولت‌های بیشمار نظیر ایالات متحده آمریکا، ژاپن و فرانسه، راه‌حل موضوعات و مسائل اجتماعی مختلف و نیز بهترین بستر برای تدوین و پدیداری سیاست‌هایی که بتوانند متناسب با نیازهای جوامع ملی پاسخگوی سوالات، ابهامات و احتیاجات افکار عمومی باشند را در متن و بطن مفهوم یا رشته سیاستگذاری جستجو نمودند. در ابتدا لازم است، مفاهیم ابتدایی زیرمجموعه سیاستگذاری عمومی به عنوان جزیی از یک «کل» مورد واکاوی قرار گیرند.

۱- سیاستگذاری جنایی: در تعریف سیاستگذاری آمده است که این تعبیر به «مفهوم تعریف خطمشی و استراتژی کلان در یک حوزه خرد یا کلان» است (James R. 2009:271). در تعریفی دقیق‌تر آمده: «سیاستگذاری در بردارنده آگاهی هوشمندانه در زمینه انتخاب میان راه‌های جایگزین برای اداره جوامع و استدلال عقلایی در جهت فهم یک مسئله و راه‌حل آن است» (Heywood 2003:84). کلمه جنایی هم معنایی فراتر از کیفری دارد و به کلیه مسائل یا پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که علاوه بر ابعاد حقوقی احتمالی یا الزاماً به شکل نقض قوانین، هنجارشکنی و نافرمانی غیرمدنی و مجرمانه در جامعه پدیدار می‌شوند و یا لاقلاً زمینه‌های وقوع آنها را هموار می‌سازند (Adams T. 2016:173). بنابراین، در تعریف سیاستگذاری جنایی گفته می‌شود که این رشته یا الگوی کلان از آموزه‌های سیاسی-اجتماعی به معنای ایجاد یک مبنا و نقشه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی در جامعه است که با هدف مبارزه سامان‌مند با جرم و انحرافات اجتماعی و زمینه‌های وقوع آنها سعی دارد با وضع و برقراری تدابیری چون حقوق کیفری کارآمد و سیاست‌های کیفری و جنایی همسو با نیازها و توقعات جامعه فضایی برای مدیریت مستمر و زمانمند پدیده جنایی و بحران‌های هم‌عرض و یا برخاسته از آن فراهم آورده و برای کلیه ساخت‌های اجتماعی در این مسیر تعریف نقش و مسئولیت نماید (Jonathan P.G. 2012:40). این دانش-راهبرد به وضعی هم فکر می‌کند که آیا در شرایط عدم وقوع جرم و انحراف و یا تکرار آنها می‌توان لزوماً مدعی شد که جامعه کاملاً فرهنگ‌پذیر شده و هیچ زمینه احتمالی برای پدیدار شدن عدم همدلی و همنوایی قلبی مردم با قوانین و هنجارها در متن مناسبات اجتماعی وجود ندارد؟ در فهم از سیاستگذاری نباید از مفهوم و قلمرو فلسفه سیاسی غفلت ورزید، سیاستگذاری جنایی انشعابی از سیاستگذاری عمومی بوده که در ابعاد وسیعی با فلسفه سیاسی، پیوند ذاتی و مستمر دارد (Dawson E.T. 2014:49). بررسی ماهیت رژیم سیاسی، که به طور کلی به عنوان سازمان نظام سیاسی تعریف شده، یکی از راه‌های شناخت فرایند سیاستگذاری است. گفته شده که سیاستگذاری‌های عمومی بر اساس ماهیت نظام سیاسی و پیوند آن با جامعه متفاوت هستند (Howlett & Ramesh 2001:11).

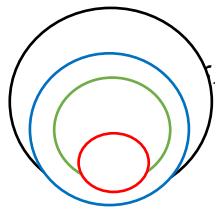
۲- سیاست جنایی: سیاستگذاری جنایی شاخه‌ای از سیاستگذاری عمومی بوده و ویژگی مهم آن کلان بودن می‌باشد، در حالی که سیاست جنایی کلی است و شامل سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی، مشارکتی و ... می‌گردد. به عبارت دیگر می‌توان گفت سیاست جنایی قابل انطباق با مفهوم تصمیم‌گیری حقوقی جنایی برای مبارزه با مسائلی چون جرم و بزهکاری است و دامنه‌ای بسیار محدودتر از سیاستگذاری جنایی دارد.^۴ تعیین اهداف و اولویت‌های نظام حقوقی-سیاسی جامعه، توجه به موقعیت مردم و هیئت حاکمه در متن و چرخه تعاملات اجتماعی گروهی، شناسایی و مرزبندی تصمیمات مناسب و همسو با نیازهای داخلی،

1. Public Policy Making
2. Politic
3. Criminal Policy-Making

۴. برای مطالعه بیشتر راجع به تفاوت سیاستگذاری جنایی با سیاست جنایی رک: شیری، عباس، سیاستگذاری جنایی درباره حقوق بزه دیدگان، فصلنامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱، خرداد ۱۳۹۷، ص ۱۷۰-۱۵۶.

پاره‌ای از مسائلی اند که باید حین سیاستگذاری جنایی مد نظر قرار گیرند. در این برنامه ابتدا باید فرایند تشخیص مسائل یا موضوعات جنایی روشن شود، آنگاه مراحل تدوین، تصویب، اجرا و نهایتاً ارزیابی و سنجش خط مشی انتخاب شده طی شود. بنابراین سیاستگذاری عمومی، مفهومی فراتر و گسترده‌تر از صرف تصمیم‌گیری‌های مقطعی و جزیره‌ای در جامعه است.

۳- سیاست کیفری: این سیاست، به عنوان جزئی از سیاست جنایی، فقط واکنش سرکوبگرانه کیفری و آن هم از سوی دولت می‌باشد، در حالی که در تعریف سیاست جنایی، کنش (پاسخ پیشگیرانه) و واکنش (پاسخ موخر به پدیده مجرمانه و منحرفانه) از سوی دولت یا جامعه مدنی مطرح شده است؛ همچنین راهبردهای خرد و اجرایی داخل در استراتژی جنایی است، به عبارتی استراتژی جنایی، طرح‌های مربوط به عملیاتی‌کردن برنامه‌های سیاست جنایی است. به زبان منطقی می‌توان گفت رابطه مفاهیم فوق، عموم و خصوص مطلق است که دایره سیاستگذاری عمومی، سیاستگذاری جنایی را احاطه می‌نماید و از سویی سیاست جنایی و نیز سیاست کیفری از محصولات سیاستگذاری جنایی می‌باشند.



۱- سیاستگذاری عمومی ۲- سیاستگذاری جنایی ۳- سیاست جنایی ۴- سیاست کیفری

از آن‌جا که بدون شناسایی اصول سیاستگذاری، سهامداران عرصه مدیریت اجتماعی و تبعاً اغلب مردم اجتماع حتی در فهم اولیه از انحرافات نیز با دشواری مواجه خواهند شد؛ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد کشف اصول سیاستگذاری جنایی است و اگرچه رابطه منطقی سیاستگذاری جنایی، سیاست جنایی و سیاست کیفری، عموم و خصوص مطلق است و آنچه ذیل سیاست کیفری قرار می‌گیرد، به طور طبیعی مورد توجه دو مورد دیگر باید باشد لیکن برای ارائه الگوی مطلوب، اصول هر حوزه به صورت خاص در سه گفتار تبیین می‌شود و در این مسیر ضمن توصیف سیاستگذاری‌های سرگردان سه دهه گذشته با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، مبانی فقهی، آرای صاحب‌نظران و اسناد بین‌المللی، دلایل عدم کامیابی به اهداف مدنظر سیاستگذاری‌های سابق تحلیل می‌شود و سپس با توجه به تجارب شهودی پژوهش‌گران و با استفاده از ابزار مشاهده، اصول سیاستگذاری جنایی (و نمودهای آن) تبیین می‌گردد.

گفتار اول: اصول سیاستگذاری جنایی

۱- اصل ثبات مبانی و اصول دنیای مجازی در امتداد دنیای واقعی

آیا اصول سیاستگذاری در فضای مجازی و واقعی یکسان است یا متفاوت یا در امتداد یکدیگر؟ جلوگیری از خلط‌شدن مرزهای مفهومی مبانی و اصول؛ در صورت توجه به اینکه در زیست بوم مجازی روش‌ها و شیوه‌هاست که دچار تحولات ماهوی شده‌اند نه بنیادهای علمی، در گرو رسمیت بخشی به «اصل ثبات مبانی و اصول دنیای مجازی در امتداد دنیای واقعی» می‌باشد. ملاحظه مهم دیگر این است که فضای مجازی نه موازی با دنیای واقعی و نه در مقابل آن بلکه در امتداد آن شکل گرفته و به حیات خود ادامه خواهد داد. در واقع نگاه امتدادی به این فضا باعث می‌شود تا در سیاستگذاری‌ها، مبانی و اصول مراعاتاً در دنیای واقعی را به

۱. برای مطالعه بیشتر رک: لالرز، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ ششم، تابستان ۱۳۹۶.

فراموشی نسپاریم. به عنوان نمونه باید در نظر داشت که دگرگونی‌های سریع و روزافزون فضای مجازی موجب تغییر ماهیت اصول اقتصاد نمی‌گردد بلکه فقط در سطح شیوه‌ها و ابزارها ایجاد تغییر می‌نماید؛ مثلاً قانونگذار در قانون اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۴۰۱/۱۲/۳ ماهیت تجریم بزه قمار در فضای حقیقی یا مجازی را یکسان انگاشته و در کیفرگزینی علاوه بر ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به جزای نقدی نیز توجه واحد داشته است^۱. لذا در طرد و مقابله با افکار شبهه‌آمیزی نظیر اقتصاد مجازی یا اخلاق مجازی یا دین سایبری نباید تردید کرد. فضای مجازی از هر نظر وابسته و تابع ارزش‌ها و قوانین جاری و عمومی کشور بوده و لذا نیاز نیست به صورت موردی برای هر تحول ظاهری یا تغییر در روش دسترسی به این فضا روی به قانونگذاری‌های موردی توری و افتراقی آورده شود. پرهیز از دو ماهیتی یا دو جهانی یا دو فضایی تلقی کردن کاذب فضای مجازی و بستر عمومی حیات آدمیان در کره خاکی اصلی است که بایستی در تمامی مراحل سیاستگذاری‌های متناظر با این فضا مورد توجه قرار گیرد. واکاوی سیاست جنایت تقنینی حکایت از این دارد که در وضع قوانین خاص حوزه فضای مجازی، مرجع واحد و یکسانی برای مقررات‌گذاری وجود نداشته بلکه هر زمان حسب نیاز سندی تدوین و مصوب شده است. اسناد قانونی حوزه فضای مجازی از سال ۱۳۶۵ تا کنون بیش از ۴۵ مورد بوده است^۲ که قانون جرائم رایانه‌ای ایران مصوب پنجم خرداد ۱۳۸۸، با الهام‌پذیری اصلی از کنوانسیون بوداپست مجارستان^۳، مهمترین موضع‌گیری نظام حقوقی ایران در قالب مقررات کیفری یا جرم‌انگاری می‌باشد که تا به امروز مجری می‌باشد. این قانون حکم عامی را وضع نکرده و سیاستی را تدارک ندیده است و صرفاً به وضع مجازات و تعریف جرایمی پرداخته است. برخی تعاریف نیز آن قدر کلی است که از دل همان‌ها هم نمی‌توان حکم عامی را استنباط نمود. به عبارت دیگر روح واحدی در این قانون حاکم نیست و می‌توان گفت قانونگذار صرفاً برخی از جلوه‌های فضای مجازی را مورد جرم‌انگاری قرار داده است. عقب‌ماندگی سیاست جنایی تقنینی و پاسخگویی به اقتضات روز فضای مجازی بر اساس کنوانسیون‌هایی که خود چندین بار اصلاح گردیده و بیش از یک دهه از اصلاح آن می‌گذرد معضلی است که صرفاً با تحولی زمان‌مند در سیاستگذاری جنایی این فضا امکان‌پذیر است. با بررسی سیاست جنایی قضایی ملاحظه می‌گردد قضات حتی‌الامکان با تمسک و استناد به قوانین سنتی نسبت به تحلیل و مقابله با جرایم نوین فضای مجازی نوین گام برداشته‌اند. قوانینی همچون قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون تجارت، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری، قانون اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور و... به عنوان نمونه تشکیل پرونده‌های کیفری با عنوان تشویق به فساد و فحشا یا تشکیل و اداره مکان فساد و فحشا بر اساس ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نسبت به جرایم مشابه در فضای مجازی یا تشکیل پرونده قمار مجازی تا قبل از قانون اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ قانون تعزیرات نمونه‌هایی از تمسک به قوانین سنتی در امتداد واکنش به جرایم

۱. ماده ۷۰۵ - ارتکاب هر یک از رفتارهای مذکور در بندهای (۱) تا (۳) این ماده، جرم است و هر شخص به هر نحوی در فضای حقیقی یا مجازی یکی از رفتارهای مذکور را مرتکب شود، علاوه بر ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به نفع دولت، به جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل ارزش یک تا سه برابر مجموع اموال و عواید ناشی از جرم، هر کدام بیشتر باشد، محکوم می‌شود... ماده ۷۰۶ - هر شخصی که مکان یا هر نوع فضای حقیقی یا مجازی را برای ارتکاب یکی از جرائم موضوع بندهای (۱) تا (۳) ماده (۷۰۵) این قانون، دایر یا اداره کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود و... ماده ۷۰۸ - هر شخصی که ابزار مخصوص قمار اعم از رایانه ای یا غیررایانه‌ای را تولید، معامله، عرضه، حمل یا نگهداری کند، به جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش اموال و عواید حاصل... .

۲. قانون فروش خدمات کامپیوتری فنی و انتشاراتی و برگزاری دوره‌های تخصصی مصوب ۱۳۶۵، آیین نامه اجرایی قانون مذکور در سال ۱۳۶۸، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۰، تجارت الکترونیکی مصوبه ۱۳۸۲، قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور اصلاحیه مصوب ۱۳۸۴، آیین نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی مصوب ۱۳۸۵، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷، قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۵ اصلاحی ۱۳۸۸، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، آیین نامه جمع‌آوری و استناد پذیری ادله الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳، قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳، قانون اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ کتاب پنجم قانون مجازات مصوب ۱۴۰۱ (در خصوص قمار مجازی)، قانون تصویب معاهده سازمان ملل متحد راجع به استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی مصوب ۱۴۰۲، قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲.

۳. کنوانسیون جرایم سایبری معروف به «کنوانسیون بوداپست» یا به اختصار «کنوانسیون بوداپست»، نخستین معاهده بین‌المللی است که توسط شورای اروپا در سال ۲۰۰۱ به جرائم رایانه‌ای و اینترنتی می‌پردازد و می‌کوشد قوانین ملی را سازگار کرده، روش‌های تحقیقات را ارتقا دهد و همکاری بین کشورها را بهبود بخشد.

نویین فضای مجازی می‌باشد. اما مهم‌ترین حوزه‌هایی که فاقد سیاستگذاری تقنینی و قضایی می‌باشند به این شرح است: در خصوص حمایت از داده‌های شخصی اشخاص، حفاظت از حریم خصوصی افراد، پیامک‌های تبلیغاتی، تأسیس صرافی یا سایت خرید و فروش ارزهای دیجیتال، مالیات بر رمز ارزها، احتکار محصولات مجازی مانند نام دامنه^۱، هوش مصنوعی، حمایت از کاربران، کسب دلیل نامشروع مجازی، بلاک چین^۲، قراردادهای هوشمند، واقعیت افزوده^۳ و واقعیت مجازی^۴، متاورس^۵، NFTها^۵ و ...

۲- اصل امنیت حریم خصوصی و اطلاعات

حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و نظام حقوقی داخلی مورد توجه و حمایت قرار گرفته است. در این خصوص می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره در سال ۱۹۹۰، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بیانیه ۱۹۶۸ تهران اشاره کرد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی حریم خصوصی افراد را به صورت غیر مستقیم مورد حمایت قرار داده و غیرقابل تعرض اعلام شده است. در لایحه حریم خصوصی در زمان دولت هفتم که از طریق کمیسیون لوایح دولت تهیه به مجلس ارسال شد در بند اول ماده ۲ در تعریف حریم خصوصی آمده است: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی بدان وارد نشوند یا بر آن نظارت نکنند یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند یا آن قلمرو را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیا همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند». به صورت ایجاز می‌توان گفت حریم خصوصی محدوده معقولی است که فرد انتظار دارد از دسترس دیگران مصون بماند. به عنوان نمونه: امکان گمنامی در فضای مجازی، آنلاین بودن و انحصاری بودن ارائه خدمات در فضای مجازی به معدود کشورهای پیشرفته، خود زمینه را برای نقض حریم خصوصی افزایش می‌دهد (Fathi&Shahmoradi 2017:229). اصطلاح حریم خصوصی اطلاعات از یک سو به معنی منع دیگران از وقوف به داده‌هایی است که اختصاص به یک شخص دارد و از سوی دیگر به مفهوم منع دیگران از هرگونه تصاحب و تخصیص این داده‌ها به خود و همچنین منع ایشان از تغییر و دستکاری کردن این گونه داده‌ها است. از نظر مفهومی هیچ تفاوتی بین ماهیت تهدیدات موجود علیه امنیت فضای مجازی و ماهیت تحولات دنیای واقعی وجود ندارد. البته در چارچوب امنیت فضای مجازی این موضوع اهمیت دارد که تلاش کنیم تا از یک سو میان تدابیر لازم جهت ارتقای امنیت و از سوی دیگر نیاز به تضمین حمایت از داده‌ها، حریم خصوصی و پرهیز از ایجاد موانع جدید برای تجارت، توازن و تعادل ایجاد کنیم (Kadkhodaei&SaedVakil 2015:95). آنچه مسلم است بیگانگان و به صورت خاص ایالات متحده آمریکا از باب ترحم یا کمک‌های بشردوستانه این امکانات عریض و طویل مجازی آن هم با هزینه‌های گزاف را بدون هدف و رایگان در اختیار بومیان یا استفاده‌کنندگان و کاربران فضای مجازی

۱. نام دامنه یا (Domain)، اسم منحصر به فرد و یکتای وبسایت با قابلیت به‌خاطر سپاری و برنشدن و بسیاری از ویژگی‌های دیگر است. <https://parspack.com/>

۲. بلاک چین: یک دفتر کل توزیع شده هم‌تا به هم‌تا برای ثبت اطلاعات است. به نحوی که تغییر، هک یا تقلب در سیستم را دشوار یا به عبارتی غیرممکن می‌کند. محتویات این دفتر کل، فقط با اضافه شدن یک بلاک به بلاک قبلی بروز می‌شود. <https://www.excoino.com/blog>

۳. واقعیت افزوده یا «Augmented Reality» که به آن «AR» هم می‌گویند، در کنار واقعیت افزوده یا «VR» ابزار تحقق متاورس محسوب می‌شود. به عبارتی دیگر عبارت واقعیت افزوده، همانطور که از اسمش پیداست، ماهیت اضافه‌کنندگی دارد. یعنی یک شیء یا کاراکتر دیجیتالی را به یک فضا اضافه می‌کند. همان.

۴. واقعیت مجازی یا «Virtual Reality» که به اختصار به آن «VR» می‌گویند یک دنیای دیجیتالی است که صحنه‌ها و اشیا واقعی به نظر می‌رسند. این تکنولوژی باعث می‌شود کاربر احساس کند همه آنچه در تصویر می‌بیند، به صورت واقعی در محیط اطراف خود وجود دارد. این محیط از طریق دستگاهی به نام هدست و عینک واقعیت مجازی قابل درک و دیدن است <https://wallex.ir/blog/vr-technology/>.

۵. NFT، از مفاهیم جدید و پرطرفدار در حوزه بلاک چین و کریپتوکارنسی است که امکان خلق و خرید و فروش دارایی‌های دیجیتالی منحصر به فرد و غیر تکراری را فراهم می‌کند. رمز غیرقابل معاوضه ان‌اف‌تی، رمز بیمانند یا رمز کلید یکتا نوع خاصی از رمز رمزنگارانه است که نماد چیزی منحصر به فرد است؛ بنابراین رمزهای بیمانند را نمی‌توان با یکدیگر معاوضه کرد. این در تضاد با ارزهای رمز پایه مانند بیت کوین و بسیاری از رمزهای شبکه یا کاربردی است که ماهیت قابل معاوضه دارند.

قرار نداده است. حداقل از دو جهت بیم واقعی وجود دارد: اول اینکه، استفاده ابزاری از این فضای مجازی برای هدایت افکار عمومی به آنچه که خود برای آن برنامه‌ریزی نموده است دوم اینکه، اطلاعات کاربران در همه زمینه‌ها را تحت کنترل و اشراف اطلاعاتی دارد. اهمیت موضوع زمانی نمایان می‌شود که از دهه ۱۹۹۰ میلادی جنگ اطلاعاتی^۱ به عنوان یک بحران در برخی از کشورها مطرح شده است. حملات سایبری^۲ و جنگ اطلاعات^۳ در لیست خطرات جهانی رتبه پنجم را در سال ۲۰۲۰ به خود اختصاص داده است و به یک قاعده جدید در بخش‌های دولتی و خصوصی تبدیل شده است (momtazserver.com) اما آنچه از این بحران‌ها قابل تأمل‌تر است ناآگاهی عمومی نسبت به چنین بیم واقعی است (ناآگاهی عمومی از نقض حریم خصوصی در بسترهای خارجی). اگرچه در نظر مقام معظم رهبری نقض حریم خصوصی اشخاص (جزء حقوق الناس) در فضای مجازی حرام قطعی است اما تمایل شهروندان به استفاده از بسترهای خارجی از جهتی، به دلیل چنین بیمی می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر در حال حاضر شرایط به گونه‌ای شده است که شهروندان به دلیل بیم نقض حریم خصوصی در بسترهای داخلی، حتی حاضرند اطلاعات شخصی آنها در اختیار بیگانگان قرار بگیرد ولی از بسترهای داخلی استفاده نکنند؛ نمونه بارز آن بهره‌گیری فراوان از فیلترشکن‌ها برای دورزدن سیاست‌های کنترلی است. در حال حاضر سیاستگذاران برای جلب اعتماد عمومی و نیز حفظ امنیت حریم خصوصی و اطلاعات اشخاص یکی از این دو راهبرد را می‌تواند انتخاب نماید: اول) رفع بیم نخست از طریق: الزام مدیران و شرکتهای دارنده بسترهای خارجی به معرفی نماینده رسمی در ایران یا خارج از کشور در جهت پاسخگویی به استعلامات و... که به احتمال قوی نافرجام خواهد بود. دوم) رفع بیم دوم از طریق: اطمینان بخشیدن به شهروندان با تکمیل نواقص قانون‌های موجود از جمله ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز اعتبار ندادن به اطلاعاتی که به صورت غیرقانونی و در نتیجه نقض حریم خصوصی به دست آمده است. در واقع عدم قابلیت استناد به اطلاعات موصوف و حتی متصرف نمودن چنین اقداماتی به وصف کیفری در راستای عملیاتی‌تر نمودن اصل ۲۵ قانون اساسی و تهیه زیرساخت‌های شبکه ملی اطلاعات با این شرط، مطمئناً امکان‌پذیرتر و سهل‌تر از رفع بیم نخست می‌باشد (بیم شهروندان از نقض حریم خصوصی در بسترهای داخلی).

۳- اصل قابلیت پایداری و توسعه پایدار

اصل قابلیت پایداری فضای واقعی و مجازی بدین معناست که محیط‌زیست واقعی و مجازی باید بنا بر اصول قابلیت پایداری (momtazserver) سازماندهی شود. یعنی باید در واکنش به چالش‌های عدالت اجتماعی از برابری فرصت‌ها در دستیابی به دانش و اطلاعات یاری جست. بدیهی است دفاع از حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی به عنوان شرط توسعه فردی و دموکراسی در ارتقای صلح حائز نقش است به عنوان مثال وجود فضای مجازی، رافع نواقص آزادی بیان و آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات و سایر آزادی‌های شهروندان می‌باشد. از سویی مانایی و پایداری آن نیز به مثابه میراث و دارایی همه بشریت باید در مالکیت عمومی باشد. به عبارتی به منظور تأمین دسترسی آزاد به دانش و اطلاعات در میان نسل‌های حاضر و آتی لازم است این فضای مجازی پایدار باشد. البته الزامات دسترسی آزاد به معنی دسترسی مجانی نیست ولی باید به گونه‌ای باشد که برای همگان قابل دستیابی باشد، در هر زمان و هر مکانی بدون تبعیض باید این امکان فراهم آید. هسته حقوق مدنی - سیاسی (از جمله: حفظ حریم خصوصی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اطلاعات، حفظ حقوق اقلیتها، حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌ها و...) برای فضای واقعی و مجازی پایدار، اصل قابلیت پایداری است. در تشریح مثال سابق باید در نظر داشت، هنگامی که دولت‌ها انحصاری امور زیربنایی

1. Information Warfare.

۲. حمله سایبری: یک اقدام مخرب و آگاهانه توسط یک شخص برای نقض یا تغییر یا اختلال در سیستم اطلاعاتی شخصی دیگر است.
۳. جنگ اطلاعاتی مجموعه‌ای از تکنیک‌ها شامل: جمع‌آوری، انتقال، حفاظت، ممانعت از دسترسی، ایجاد اغتشاش و افت کیفیت در اطلاعات است، که از طریق آن یکی از طرفین درگیر، بر دشمنان خود به مزیتی چشمگیر دست یافته و آن را حفظ می‌کند. جنگ اطلاعاتی می‌تواند شامل: جمع‌آوری اطلاعات تاکتیکی، پروپاگاندا، گمراه‌سازی یا دستکاری اطلاعاتی باشد. جنگ اطلاعاتی ارتباط نزدیکی با جنگ روانی دارد.

فناوری را به دست می‌گیرند همواره این خطر وجود دارد فناوری ارتباطات به قدری تحت سلطه و کنترل دولت در آید که منجر به سلب بسیاری از آزادی‌های مردم شود. نتیجه اینکه با توجه به ماهیت شتابان اطلاعات در مورد سایبر باید روش‌ها و تدابیر مختلفی جهت حفظ بلندمدت قابلیت دسترسی به اطلاعات ذخیره شده در فضای مجازی وجود داشته باشد (Kadkhodaei&SaedVakil2015:98).

اصل دیگری که ظاهراً با اصل پایداری یکسان جلوه می‌نماید ولیکن، در باطن امر متفاوت است اصل توسعه پایدار می‌باشد، در سال ۲۰۰۲ میلادی اجلاس جهانی توسعه پایدار برگزار شد و در نتیجه در سطح جهانی، توسعه پایدار گسترش یافت. سه رکن اساسی توسعه پایدار شامل پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری محیط زیست می‌باشد که پایداری اقتصادی به معنای رشد اقتصادی بدون تقاضای غیرضروری برای منابع اجتماعی و طبیعی تعریف می‌شود؛ پایداری اجتماعی به مثابه ایجاد عدالت و برابری اجتماعی به جای تضعیف آن است و پایداری محیط زیست و فقط به معنای به حداقل رساندن اثرات روی محیط برکه ایجاد منابع طبیعی و حفاظت از آنها برای آیندگان تعریف شده است. به علاوه در کنار این سه مولفه برخی معتقدند که حکمرانی خوب و همچنین تنوع فرهنگی ستونهای دیگر توسعه پایدار در سطح ملی و بین‌المللی هستند و این پنج مولفه با یکدیگر ارتباط متقابل دارند (Ameli,2018:38). به عبارت دیگر این اصل بر این موضوع تاکید دارد که پایداری و توسعه پایدار به معنای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی امروز بدون به مخاطره انداختن محیط زیست و نیازمندی‌های نسل آینده است (Habibi,2020:74). اصل قابلیت پایداری فضای واقعی و مجازی، جاودانگی فضای واقعی و مجازی را به عنوان یک میراث جهانی مطرح نظر داشت در حالی که اصل توسعه پایدار چشم‌اندازی مهم و جدید در مدیریت و سیاستگذاری عمومی است که به طور گسترده‌ای در عموم کشورها ظهور یافته‌است. این مفهوم تلاش می‌کند تا به نحو روشن تری نتایج آینده رفتارهای کنونی را مورد توجه قرار دهد و یکی از مهمترین دغدغه‌های کشورهای و به طور کلی جامعه بین‌المللی می‌باشد^۱. یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند بر تحقق مولفه‌های توسعه پایدار تاثیرگذار باشد و آن را تسهیل نماید بهره‌گیری و دسترسی به فضای مجازی است^۲، نمونه‌های بارز بهره‌گیری از این فناوری‌ها شامل عملیات شهری هوشمند، اینترنت اشیا، سامانه‌های هوشمند، مسیریابی هوشمند، فرماندهی و کنترل هوشمند، واقعیت افزوده، تصاویر ماهواره‌ای و نقشه‌برداری‌های پیشرفته برای پیش‌بینی فرونشست‌ها، آتش‌سوزی‌ها، آلودگی هوا، خاک و آب و تحلیل آنها، بررسی حملات بیوتروریستی می‌شود؛ همچنین در سایر حوزه‌ها از قبیل مناسبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شامل ایجاد زمینه مناسب جهت مشارکت بیشتر مردم در فعالیتهای اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی و نیز افزایش شفافیت بر تعاملات و ارتباط مردم با حاکمیت و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، خلق درآمد، ارزش افزوده و بهبودسازی اموری چون مالیات‌ستانی، صرفه‌جویی در وقت و زمان، کاهش جرایم اقتصادی، پایش زمین‌خواری‌ها، تغییر کاربری‌ها و ساخت و سازهای غیرمجاز شده؛ همچنین افزایش تعاملات عمومی و نژادی، ساماندهی جریانهای جمعیتی و مهاجرتی و نیز کاهش هزینه‌های نظارتی اعم از کنترل ترافیک و تخلفات رانندگی تا نظارت‌های حوزه بهداشتی، محیط زیست، مخاطرات طبیعی، دامپزشکی، سلامتی، وقوع جرم و جنایت و فساد اداری و... می‌گردد^۳. به عنوان نتیجه می‌توان گفت

۱. ابعاد توسعه پایدار و شرایط تحقق پایداری توسعه در یک دسته‌بندی به ۱۷ گروه تقسیم شدند که با عنوان اهداف توسعه پایدار شناخته می‌شوند. در کارگروه توسعه پایدار سازمان ملل متحد، برای هر کدام از این اهداف اصلی، دسته‌ای از شاخص‌های ارزیابی تعریف شد که مجموعاً ۲۳۲ شاخص را در بر می‌گیرد. تحلیل یکپارچه این شاخص‌ها جهت ارزیابی شرایط پایداری توسعه، نیازمند دانش بین‌رشته‌ای است. (Scientific Vice President Website)

۲. در توسعه پایدار انسانی، پایداری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد تاکید قرار می‌گیرد و عقیده بر این است که بدون پایداری و ایجاد تعادل و توازن در تمامی ابعاد جامعه نمی‌توان به یک توسعه با دوام دست یافت. به منظور نیل به این هدف، توسعه به سان سیستمی نگریسته می‌شود که عناصر اصلی آن، مردم، منابع و سرزمین به شمار می‌روند و ترکیب مطلوب این عناصر بر مبنای مشارکت و در قالب یک ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضایی مناسب به معنای دست یابی به توسعه خواهد بود. برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن، مشارکت مردم به عنوان عاملی اصلی و محوری به شمار می‌رود که تلفیقی و ترکیب عناصر اصلی در جریان توسعه و به فعلیت در آوردن آنها را بر عهده دارد. (Jom'ePour2003:103)

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مقاله بررسی اثر بهره‌گیری از قابلیت‌های فضای مجازی در تحقق توسعه پایدار شهری ایران، نوشته نیلوفر مرادحاصل و امیرحسین مزینی، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۲۲، ۱۳۹۳، ص ۵۴۷.

اصل قابلیت پایداری دارای ابعاد ملی و اصل توسعه پایدار دارای ابعاد جهانی است و در کل ذیل نسل سوم حقوق بشر یعنی حقوق همبستگی قرار می‌گیرند. منظور از توسعه پایدار و بطور کلی روند توسعه به نوعی حرکت به سوی همان اندیشه ایده‌آل‌گرای است که در سطوح کمی و کیفی در سیاستگذاری‌های موجود و محتویات آنها نوعی شتاب و پیش‌روندگی ایجاد نماید؛ به عبارت دیگر فضای مجازی و دسترسی به آن و سیاستگذاری در این حوزه مصداق اجلای حق بر توسعه می‌باشد. اما این عنوان زیبا و مصداق اجلا نباید ما را از این واقعیت غافل سازد که همین فضای مجازی می‌تواند تیشه‌ای شود بر ریشه حقوق همبستگی و بشریت. به عنوان نمونه می‌توان از جنایت‌های بین‌المللی و تروریسم و تأمین مالی آن و حملات سایبری و... با سوء استفاده از این ابزار یاد کرد.

۴- اصل ایجاد تعادل بین ارزش‌ها و صیانت از امنیت

صیانت از جان، مال و عرض شهروندان از وظایف حاکمیت و متقابلاً از حقوق عمومی آنها در مقابل هرگونه تعدی و تجاوز می‌باشد.^۱ و مسئولیت حاکمیت می‌تواند به دو صورت مثبت یا منفی ایجاد شود؛ بدیهی است چنانچه حاکمیت نسبت به یک مسئله عمومی سیاستگذاری ننماید و به همین دلیل خسارت جانی یا مالی یا ... به شهروندان وارد آید، دولت مکلف به جبران خسارت می‌باشد. همچنین سیاستگذاری به صورت مثبت نیز می‌تواند این مسئولیت را برای دولت ایجاد نماید به عبارت دقیق‌تر سیاستگذاری اشتباه نیز ضمانت اجرا دارد. آنچه در مقام سیاستگذاری اهمیت دارد این است که برای صیانت از امنیت شهروندان می‌بایست مابین ارزش‌ها و امنیت شهروندان اعم از امنیت جانی، مالی، عرضی، اخلاقی و دینی و... تعادل برقرار گردد؛ به عنوان مثال، سیاست کنترلی فیلترگذاری در جهت یا به نام حفظ ارزش جانی شهروندان پیرو حوادث تروریستی، اگرچه ظاهراً در جهت حفظ امنیت جانی شهروندان تبیین شده است ولی در واقع، موجب تضییع ارزش‌های اخلاقی گردید.^۲ در عمل همان‌گونه که شهروندان با استفاده از نرم‌افزارهای فیلترشکن سیاست‌های کنترلی را دور زدند برای تروریست‌ها نیز این امکان فراهم بوده است و اگر دقیق‌تر به موضوع نگاه کنیم متوجه می‌شویم اگرچه به دولت ضرر مالی وارد نشده است^۳ (یا به عبارت دقیق‌تر، کسب منافع مالی بیشتر) ولی شهروندان از این جهت نیز دچار خسارت شده‌اند.

گفتار دوم: اصول حاکم بر سیاست جنایی

۱- اصل عدالت محوری

و جوب انتظام جامعه به‌خصوص نسبت به مصادیق تحول‌پذیری همانند فضای مجازی که سبقه شرعی ندارند، باعث می‌شود تا موضوع عرفی احکام شرعی نسبت به فضای مجازی مورد تشخیص و تدوین قرار گیرند که برخی به آن عدالت وضعی خاص نیز می‌گویند. در خصوص سطوح عدالت اجتماعی و تنوع گونه‌های آن از جمله عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت مراوده‌ای؛

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: قواعد فقه ۵، بخش عمومی، مسئولیت حاکمیت در قبال شهروندان، محقق داماد، سید مصطفی، نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹، ص ۴۰-۱۷.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: به مبانی و پیامدهای فیلترینگ شبکه تلگرام از منظر جرم‌شناسی، فرزاد، علیرضا و رحیمی‌پور، ایمان، مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از بزه دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی، ص ۱۰۴.

۳. برای مطالعه بیشتر راجع به حفظ درآمد دولت از حوزه فروش ترافیک بین الملل به وسیله تلگرام طلایی ر.ک: تحلیل تغییر خط مشی ایران در خصوص پیام رسان تلگرام بر اساس چهارچوب جریان‌های چندگانه کینگدان، دانایی فرد، حسن و آزادی احمدآبادی، جواد، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، ص ۹۱-۱۱۰.

عدالت معرفتی و اطلاعاتی و ... از سوی صاحب‌نظران بسیار بحث و نظریه‌پردازی صورت گرفته است؛^۱ عدالت توزیعی به معنای تقسیم صحیح مواهب، منابع و فرصت‌ها در فضای مجازی از جمله تحصیل، شغل، بهداشت، تغذیه و مانند این موارد در فضای مجازی می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان گفت معمولاً در بین شهروندان این حس و تفکر وجود دارد که در این زمینه به آنها ظلم می‌شود؛ چرا که هرکس رفاه و وضعیت مالی قوی‌تری دارد دسترسی بهتری به اینترنت و فضای مجازی دارد، سیم‌کارت‌های سفیدی که دسترسی به فضای مجازی برای آنها بدون محدودیت است یا فروش پالایش‌شکن (فیلترشکن) توسط دولت موجب تشدید همین حس می‌باشد. در ادامه عدالت اطلاعاتی به معنای قرار گرفتن افراد در معرض اطلاعات و تصمیم‌گیری‌ها در فضای مجازی و عدالت معرفتی به معنای حضور شهروندان در فرایند معناسازی در مورد عدالت و در فرایندهای تولید سیاستگذاری‌ها اشاره دارد که در ایران بسیار کم‌رنگ می‌باشد. اما مقصود ما از عدالت‌محوری در عرصه فضای مجازی، توجه به نیازهای گروه‌های مختلف و رده‌بندی طیف‌های مخاطبان آن می‌باشد. در برخی از کشورهای پیشرو در زمینه فضای مجازی (از جمله ایالات متحده) به دلیل حاکم بودن سیاست «اینترنت باز» فیلترینگ تنها توسط یک نهاد مشخص اعمال نمی‌شود بلکه هم حاکمیت و هم مردم و هم صاحبان سایت‌ها در این باره مسئول شناخته می‌شوند، چنان که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا مدیران فیس‌بوک و توییتر اکانت رئیس‌جمهور رسمی این کشور را به دلیل زیر پا گذاشتن قوانین این سایت‌ها مسدود کردند. اما واقعیت این است که این مهم در ایران بدون هم‌افزایی و تعامل میان دولت و مردم و گروه‌های اجتماعی تنها از سوی نهاد حاکمیت و به کارگزاری «کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه» اجرایی می‌شود؛ این در حالی است که پالایش این فضا هم به حاکمیت و هم به مردم مربوط می‌شود (Farhani & Mirtorabi 2021:135). حال که عدالت‌محوری در عرصه فضای مجازی را به معنای توجه به نیازهای گروه‌های مختلف و رده‌بندی طیف‌های مخاطبان آن تعریف نمودیم، این موضوع سبب می‌شود نظام رده‌بندی دسترسی به فضای توسط کودکان که از لحاظ مبنایی در پیمان‌نامه حقوق کودک تبیین گردیده است، به عنوان طلایه‌دار اصل عدالت‌محوری جلوه نماید. در مقدمه پیمان‌نامه این گونه آمده است که کودک برای رشد کامل و هماهنگی شخصیت خود باید در محیط خانوادگی و در فضایی مملو از شادی، مهر و محبت و تفاهم رشد یابد و کودک باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی کامل پیدا کند و در سایه آرمان‌های اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد و به ویژه اصول کرامت، مدارا، آزادی، برابری و همبستگی رشد کند. بر اساس ماده ۳ پیمان‌نامه مذکور، «کلیه اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی دولتی و خصوصی دادگاهها مقامات اجرایی و نهادهای قانونگذار به عمل می‌آید، منافع عالی‌ه کودک باید از اهم ملاحظات باشد. کشورهای عضو متعهد می‌شوند حمایت و مراقبت ای که برای رفاه کودک ضروری است را با توجه به حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی یا دیگر اشخاصی که قانون مسئول کودک هستند تضمین نمایند و در این راستا کلی اقدامات تقنینی و اجرایی لازم را به عمل آورند. کشورهای عضو اطمینان حاصل خواهند نمود که مؤسسات خدمات و دستگاه‌های مسئول، مراقبت و حمایت از کودکان به ویژه در زمینه‌های ایمنی و بهداشت از نظر تعداد، کارآزموده بودن کارکنان و نیز نظارت شایسته، با معیارهایی که توسط مقامات واجد صلاحیت مقرر گردیده است، منطبق باشند». بر اساس بند دوم ماده ۶۶ نیز «کشورهای عضو بقاء و رشد کودک را تا بالاترین حد ممکن تضمین خواهند کرد»، به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت سیاستگذاری برای فضای مجازی باید با یک نگاه ویژه نسبت به کودکان، ضامن رشد و بقاء کودکان و حفظ منافع عالی‌ه آنها باشد. در حقوق ایران نیز طبق ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده، «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است» این اصل مورد پذیرش واقع شده است. پیمان‌نامه حقوق کودک دو پروتکل الحاقی دارد. پروتکل حمایت در برابر مخاصمات مسلحانه و جنگ که خارج از بحث ما می‌باشد و اما پروتکل الحاقی با موضوع فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان که در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ویسی، سیمین و ذکایی، سعید و انتظاری اردشیر، "بررسی تطبیقی دیدگاه‌های جوانان در مورد عدالت در فضای مجازی و سیاستگذاری‌ها"، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره چهاردهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۴۰۲، صص ۱-۴۶.

و بر اساس ماده ۹ قانون مدنی^۱ جزو قوانین لازم الاجرا تلقی می‌گردد، حکایت از این دارد که حق کودک برای حمایت شدن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هر کاری که ممکن است زیان‌بار بوده یا در تحصیل یا به سلامتی یا به رشد جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی او آسیب یا خللی برساند به رسمیت شناخته شده است. نگرانی از دسترسی رو به رشد به هرزه‌نگاری کودکان در فضای مجازی با یادآوری کنفرانس بین‌المللی مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت وین ۱۹۹۹ میلادی (به ویژه بیانیه پایانی آن که خواستار شده تولید، توزیع، صدور، انتقال، ورود، تملک ارادی و تبلیغ هرزه‌نگاری کودک در سطح جهانی جرم محسوب گردد و اهمیت همکاری و مشارکت نزدیک‌تر میان دولت‌ها و صنعت اینترنت تاکید نموده است) حکایت از لزوم اصل حفظ حقوق عالیله کودک در سیاستگذاری دارد. از اواخر دهه ۱۳۸۰ شمسی، اقدامات سیاستی پیرامون توسعه «زیست‌بوم فضای مجازی کودک و نوجوان» و «حفاظت از کودکان برخط» در ایران آغاز شد. به سبب وجود کاستی در زمینه سیاستگذاری و مقررات‌گذاری این حوزه، شورای عالی فضای مجازی از سال ۱۳۹۳ این مسئله را در دستور کار قرار داد و ابتدا طرح جامع «توسعه فضای مجازی سالم، مفید و ایمن» و سپس سند «صیانت از کودک و نوجوان در فضای مجازی» را در سال ۱۳۹۶ تصویب کرد؛ اما پس از چند سال و یک مرحله بازنگری، سرانجام در خرداد ۱۴۰۰ این سند به تصویب شورای مذکور رسید. در حال حاضر با توجه به اینکه رعایت حقوق عالیله کودکان با محوریت و هدف نگهداری کودک در بنیان خانواده می‌باشد، اصل حفظ منافع عالیله خانواده نیز مطرح گردیده است. ماده ۹ پیمان‌نامه حقوق کودک این گونه تصریح دارد که «دولتهای عضو تضمین می‌نمایند که کودک بر خلاف میل و خواسته والدین خود از آنها جدا نشود مگر در مواردی که مقامات واجد صلاحیت مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی حکم دهند که این جدایی برای تامین منافع عالیله کودک ضروری است...». در قوانین داخلی نیز ماده ۴۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ نیز این گونه بیان می‌کند: «در تمام تدابیر و اقدامات حمایتی موضوع قانون اولویت با اقداماتی است که منجر به خروج طفل یا نوجوان از محیط خانواده یا قطع ارتباط با آنها نشود»، نتیجه اینکه در سیاستگذاری به خصوص سیاستگذاری جنایی می‌بایست حفظ منافع عالیله کودک و خانواده جزء اصول و چارچوب‌های اساسی سیاستگذاری مورد نظر قرار گیرد. یکی از راهکارها، ایجاد نظامی دوگانه و در صورت لزوم چندگانه از مفاهیم، سامانه‌ها، پلتفرم‌ها، اطلاعات، داده‌ها و محتواهای در دسترس با توجه به شاخص «سن» برای کاربران و مخاطبان خردسال و بزرگسال تمامی سامانه‌ها، سکوها و نظام‌های دسترسی به فضای مجازی و تعیین رژیم مصرف مدرج سلسله‌مراتبی هدفمند برای ایجاد محتواها و دسته‌های مختلف کاربران می‌باشد. سیاستگذاری‌های نادرست و غافل از این اصل منجر می‌شود به اقدام دولت به اعطای سیم‌کارت رایگان دانش‌آموزی در مدارس ابتدایی (سالها قبل از دوران کرونا) و دسترسی اطفال و نوجوانان به فضای مجازی بدون در نظر گرفتن رده‌های سنی آنها؛ که در نهایت محصول آن می‌شود پرونده‌های عدیده قضایی که اطفال و نوجوانان با الگوپذیری از شخصیت‌های منفی یا با محوشدن و اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای اقدام به خودکشی یا قتل حتی خانواده خویش برآمده‌اند.

۲- اصل شفافیت

اگرچه از لحاظ پیشینه تاریخی، ابتدایی‌ترین پاسخ‌ها به پدیده مجرمانه با سیاست کیفری یعنی ضمانت اجرای کیفری صورت می‌پذیرفته است اما با ورود گفتمان سیاست جنایی و فراتر از آن سیاستگذاری جنایی، پاسخ‌های کنشی (پیشگیرانه) در مقابله با پدیده مجرمانه (اعم از جرم یا انحراف) با دخالت‌دادن جامعه مدنی در کنار دولت، موجبات پایه ریزی مدل‌های سیاست جنایی را شکل داد. شفافیت به عنوان یک اصل در سیاستگذاری جنایی دو کارکرد عمده دارد: اول اینکه، از تدابیر بسیار موثر سیاستگذاری جنایی برای پیشگیری از پدیده مجرمانه بوده و دوم اینکه پیش‌شرطی است برای مشارکت شهروندان در نظام سیاسی و کسب اعتماد عمومی. از دیدگاه حقوق اساسی ما که مبتنی بر مبانی دینی است نه تنها مردم می‌توانند که باید اقدام به کسب اطلاعات

۱. ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

عمومی کرده از بی‌تفاوتی در برابر اوضاع جامعه و روزگار خود اجتناب کنند (Esmaeili2011:121). همان‌گونه که سابقاً تشریح گردید، فرایند سیاست‌گذاری جنایی از مرحله شناخت مسئله تا وضع مقررات و اجرای آنها می‌بایست در پیوند با حساسیت‌های شهروندان تحلیل شود (Jalali&Maldar2021:77). مساحت‌های مشارکت مردمی^۱ در سیاست‌گذاری خصوصاً سیاست جنایی تقنینی در کشورهای مختلف، متنوع می‌باشد. به صورت خاص می‌توان گفت پیش‌نویس عمومی قانون‌ها و اخذ نظر جامعه اشکال گوناگونی دارد مثل جلب نظر ذینفعان، جلب نظر گروه‌های تخصصی مانند اساتید دانشگاه، جلب نظر نهادهای مدنی و سمن‌ها و... . در واقع زمانی که ما می‌پذیریم که سیاست‌گذاری پس از قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام موضوع بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی با اصل مشارکت عمومی که در قانون اساسی آمده در جهت انعطاف بیشتر اصول قانون اساسی و همخوانی بیشتر آن با شرایط متغیر می‌باشد عملاً وارد سیاست‌گذاری به مفهوم امروزی آن شده‌ایم چرا که در نظام‌های تمامیت‌خواه یا دیکتاتوری اصلاً چنین سیاست‌گذاری مفهوم ندارد. با بررسی سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران جهت‌گیری و برداشت قانونگذار در ارتباط با شفافیت، صرفاً با دو قانون «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» و «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در سال ۱۳۸۷ و نیز لایحه شفافیت که هنوز از سال ۱۳۹۸ نافرجام باقی مانده است، روبرو هستیم که صرفاً می‌تواند بسترسازی برای تحقق این اصل در نظام حکمرانی ایران تلقی گردد. سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی سال ۱۳۹۸ در جزء ۹ از بند ۹، مشارکت عمومی در قانون‌گذاری را با این عبارت الزامی کرده است: «جلب مشارکت حداکثری مردم، ذینفعان و نهادهای قانونی مردم نهاد تخصصی و صنفی در فرایند قانونگذاری». آنچه در این قسمت از سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مقرر شده چیزی فراتر از مشارکت غیرمستقیم مردم در قالب رأی‌دادن در انتخاب نمایندگان است. مقصود از این مشارکت، استماع نظرات عموم و ذینفعان و متخصصان در فرایند تهیه و تدارک قانون است، نمونه دیگر مشارکت مردم در سیاست‌گذاری سابقاً در قالب همه‌پرسی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی مطرح شد. نتیجه اینکه سیاست‌های کلی نظام سیاست‌گذاری جنایی در ایران به عنوان یک سند بالادستی مشارکت عمومی در تهیه و تدارک قوانین را لحاظ نموده است. اگرچه در قوانین عادی موجود مشارکت مردمی در تهیه و داورى قانون به منزله یک فرایند الزام‌آور کلی در تقنین شناسایی نشده است ولیکن در برخی از قوانین به صورت موردی بر کسب نظرات ذینفعان تأکید شده است به عنوان نمونه می‌توان به کسب مشورت عمومی در ماده ۲۲ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ اشاره کرد (Hosseyini&MohammadPour2023:87-114). مشارکت مردمی در سیاست‌گذاری جنایی آثار متعددی را در پی دارد از جمله اینکه می‌تواند در ارتقای کیفیت قوانین و مهمتر از آن اجرای آن قوانین توسط شهروندان اثرگذار باشد چرا که استفاده از خرد جمعی در قانون‌گذاری برای حل مسائل و چالش‌های موجود از طریق نزدیک کردن تصمیمات اتخاذی به خواست و نیاز شهروندان مقبولیت قانون را در پی خواهد داشت و از متروک ماندن قانون جلوگیری می‌نماید. شفافیت^۲ اصطلاحی سیاسی است که شکل حقوقی نیز به خود گرفته است. در مفهوم کاوی شفافیت در ادبیات موجود اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را معادل حق دسترسی آزاد به اطلاعات، برخی آن را اقل یا اکثر از آن دانسته‌اند.^۳ یکی از دقیق‌ترین تعاریف شفافیت تعریف ارائه شده توسط استاد فارس ابن علوش می‌باشد؛ «شفافیت عبارت است از: حق هر کدام از شهروندان در دسترسی به داده‌ها، آگاهی از معلومات و فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مرتبط و شناخت مکانیزم‌های اتخاذ تصمیم توسط مسئولان حکومتی» (Alsabiei2010:9). اما قدر متیقن تمامی این تضارب آرا حکایت‌گر این است که از مقدمات لازم برای شفافیت، به رسمیت‌شناختن حق دسترسی آزاد به اطلاعات می‌باشد و باز این حق، مقدمه‌ای است برای به رسمیت‌شمردن حق مشارکت شهروندان در نظارت و تصمیم‌گیری‌ها. اگرچه معمولاً در تبیین مفهوم شفافیت به حق نخست یعنی حق دسترسی آزاد به اطلاعات تکیه می‌گردد اما آنچه که در سیاست‌گذاری جنایی مطمح نظر می‌باشد علاوه بر موضوع فوق، رسمیت‌بخشی به حق دوم یعنی

1. Public Comment.

2. Transparency /Openness.

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم شفافیت ر.ک: مقاله کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی، عادل ساریخانی، روح الله اکرمی سراب، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۳.

مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری است. به عبارت دیگر شفافیت در آوردگاه سیاستگذاری جنایی یک کارکرد پیشگیرانه دارد و یک فرهنگ سیاستگذارانه که کارکرد نخست در سیاست جنایی (به عنوان محصولی اخص از سیاستگذاری جنایی) نمایان می‌شود و اما فرهنگ سیاستگذاری در سیاستگذاری جنایی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. اینکه شهروندان در چرخه سیاستگذاری از تشخیص مسائل تا اجرا و نظارت بر سیاست چه جایگاهی را داشته باشند، موضوعی است که مدل‌های سیاست جنایی، منبعث از آن خواهند شد. هرچه میزان انتقادپذیری حکمرانان و تاثیرپذیری مشارکت فعال شهروندان در امور سیاسی بیشتر باشد حکمرانی با هزینه‌های کمتری روبرو بوده و با مقبولیت عمومی بیشتری همراه خواهد بود. بنابراین شفافیت پیش‌شرطی است برای مشارکت شهروندان در نظام سیاسی. تنها یک نظام باز می‌تواند منافع شهروندان را تامین کرده و اطلاع‌رسانی کند و در نتیجه از التزام و تعهد بیشتر شهروندان خود استفاده کند (Berge2000:11) به همین دلیل برخی صاحب نظران معتقدند که شفافیت و مردم‌سالاری دو اصل توأمان هستند (Ansari,2018:35). آنچه با بررسی متن قانون‌های مذکور و لایحه نافرجام شفافیت به دست می‌آید حکایت از این دارد که قانونگذار صرفاً با کارکرد پیشگیرانه شفافیت^۱ در جهت رسمیت‌بخشی به حق دسترسی آزاد به اطلاعات گام برداشته که البته بیش از این نیز از دولت و و قوه مقننه انتظار نمی‌رفته است. چرا که تبیین فرهنگ سیاستگذارانه و تبیین سیاستگذاری جنایی کلان، بر عهده یک نهاد سیاستگذار و فدراتور بوده که در حال حاضر از فقدان یا نبود کارایی آن رنج می‌بریم. یکی دیگر از مصادیق نقض شفافیت، قانون‌گذاری تفویضی با وصف فقدان ضرورت و عدم رعایت شرایط اصل ۸۵ قانون اساسی است. بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری، صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند، از این رو وجود ضرورت از جمله شرایط امکان قانونگذاری تفویضی است در حالی که در سال‌های اخیر، قانونگذاری تفویضی بدون شرایط موصوف رویه جاری مجلس آن هم برخلاف قانون اساسی شده است. به عنوان نمونه قانون‌های خاص از جمله قانون آیین دادرسی کیفری، طرح صیانت از فضای مجازی و لایحه عفاف و حجاب از این دست می‌باشند.

۳- اصل پذیرش تنوع فرهنگی و حفظ انسجام اجتماعی

از جمله حقوقی که به عنوان حقوق فرهنگی یاد شده عبارتند از حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، حق دستیابی به فرهنگ و زبان، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، احترام به تفاوت‌ها و تنوع قومی و فرهنگی و برابری در آموزش؛ اگرچه برخی از جامعه‌شناسان معتقدند رویارویی با شرایط فرهنگی متفاوت، وضعیت بحرانی برای فرد ایجاد می‌کند که گذر از آن به کمک نوآوری‌های فرهنگی به تقویت و پختگی شخصیت کمک می‌کند (Grossi,2018:60) ولیکن در مقابل، بسیاری بر این باورند که در مقام سیاستگذاری باید این مهم را در نظر داشت که سیاستگذاری زمانی منجر به اجرا و تطابق با اهداف اولیه تدوین سیاست می‌انجامد که همسو با بسترهای فرهنگی بومی باشد. از مهمترین موانع سیاستگذاری و در امتداد آن توسعه، نگاه دستورالعمل وار، نگاه مکانیکی و بالا به پایین به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه است بدین معنا که فهمی نادرست وجود دارد مبنی بر اینکه با دستورالعمل و وضع قوانین می‌توان اعتقادات و آداب و رسوم مردم را دگرگون کرد در حالی که خود اعتقادات و آداب و رسوم معلول و وابسته به چیز دیگری است و تا آن تغییر نکند هیچ گاه با وضع قانون و مقررات و دستورالعمل نمی‌توان اعتقادات و آداب و رسوم مردم را تغییر داد (Davari Ardakani,2018:28). به عبارت دقیق‌تر در سیاستگذاری جنایی این

۱. در لایحه شفافیت، شفافیت اینگونه تعریف شده است: «وضعیتی که در آن اطلاعات، صلاحیت‌ها، رفتارها و عملکردهای موسسات مشمول در زمان مناسب و با کیفیت مناسب در معرض دسترسی و استفاده اشخاص ذینفع یا عموم مردم یا مراجع نظارتی قرار می‌گیرد». همچنین بر اساس ماده ۶ این لایحه «تمامی شوراها مجامع و نهادهای موثر در فرایند قانونگذاری و همچنین نهادهای تصمیم‌گیرنده که دارای صلاحیت سیاستگذاری یا وضع قانون و مقررات هستند باید تمامی مذاکرات و تصمیمات خود را ثبت کرده و اطلاعات زیر را در پایگاه اطلاع‌رسانی خود منتشر و در دسترس عموم قرار دهند:

الف) مستند قانونی صلاحیت وضع مقررات ب) اسامی سوابق تحصیلی اجرایی و حرفه‌ای تصمیم‌گیرندگان به همراه مستندات پ) آیین نامه داخلی تقویم و دستور جلسات و وضعیت حضور و غیاب تصمیم‌گیرندگان ت) متن مصوبات ث) گزارش سالیانه عملکرد نهاد و دبیرخانه (در صورت وجود دبیرخانه)» (Transparency bill 2019)

تصمیم‌گیران دولتی و رسمی هستند که با نگاهی بالا به پایین سیاست‌گذاری می‌نمایند و شهروندان به عنوان تأثیرپذیران مستقیم این سیاست‌ها در چرخه سیاست‌گذاری جایگاهی ندارند. واقعیت این است فضای مجازی از همان ابتدای پیدایش آن، علی‌رغم نظم فنی اعجاب‌آورش، از منظر رفتار کاربران محیطی مبتنی بر آنارشسیسم و هرج و مرج بوده است (Carey, 1999:176). فضای مجازی یک محیط آزاد است و فارغ از هرگونه هنجارهای اجتماعی و سلسله‌مراتب هرمی نظارتی و فرمانبرداری است. در واقع آن گره‌ها و علقه‌هایی که سبب می‌شود شخص در درون خود نوعی حس تحت نظارت بودن را احساس کند اعم از اینکه این حس بیرونی و با نظارت مجری قانون یا مردم و یا درونی و ناشی از هنجارها و قواعدی همچون اخلاق یا ترس ناشی از بی‌آبرویی و امثال آن باشد وجود ندارد (Fazli, 2009:70). به عبارت دیگر فضای مجازی دارای یک نظام عرضی است و نه یک نظام طولی و برخلاف جوامع انسانی ساختار آن مبتنی بر سیستم سلسله‌مراتبی بالا به پایین نیست که نهادهای بالادست بر نهادهای پایین دست حاکم و ناظر باشند و در آن از نظام قدرت و کنترل تمرکززدایی شده و هر شخص در کنار قرار می‌گیرد و هیچ نهاد بالادستی بر آن حاکمیت ندارد که امر کنترل و ایجاد نظم را در آنجا عهده‌دار باشد (Brenner, 2020:55). یکی از مهمترین مؤلفه‌های تامین امنیت، انسجام فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. بدیهی است لازمه پیشرفت در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و حقوقی مبتنی بر انسجام فرهنگی- اجتماعی است. جامعه در گذر زمان، شرایط و تحولات متعددی را به خود می‌بیند همانند کشف فناوری‌ها، ساختارها، روابط و الگوهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... که همگی می‌تواند مقتضای نفی انسجام فرهنگی سنتی را در پی داشته باشند. شورش و درگیری‌های متعدد قومی و فرهنگی در طی سالیان اخیر در نقاط مختلف دنیا نشان داده است که سیاست‌های گذشته مبتنی بر تلاش برای همسان‌سازی گروه‌های قومی و فرهنگی با گروه قومی و فرهنگی مسلط دیگر به مانند گذشته قابلیت لازم برای حفظ نظم و انسجام در جوامع را دارا نمی‌باشد (Delani, 2009:68). همچنین بروز نتایج متناقض در میان جوامعی هم که بر مبنای کثرت‌گرایی فرهنگی و قومی عمل می‌نمایند و هم در میان جوامعی که بر مبنای وحدت‌گرایی فرهنگی عمل می‌نمایند ابهام در انتخاب استراتژی مناسب برای مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی را تشدید می‌نماید. جامعه ایران نیز به واسطه تنوع قومیتی و عناصر تاثیرگذار بر انسجام، نظیر چندآیینی، چندزبانی و چندفرهنگی به طور مداوم سرچشمه بروز شورش‌ها و درگیری‌هایی بوده است که گاهاً منجر به از بین رفتن انسجام اجتماعی می‌گردیده است (Ghanimati, 2016:67). بنابراین شناخت اصول و مدل‌هایی که می‌توانند زمینه مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی را در یک جامعه فراهم نمایند، یکی از ضروری‌ترین و اصلی‌ترین مسائل در سیاست‌گذاری جنایی می‌باشد. سیاست‌گذاری جنایی در واکنش به چنین وضعیتی می‌تواند دو رویکرد متفاوت را اتخاذ نماید: الف) حفظ انسجام سنتی و مقابله با تحولات جدید ب) گذر از انسجام سنتی و تلاش برای ساخت انسجام اجتماعی جدید (Alinaghi, 1999:43). بدیهی است هرچه در سیاست‌گذاری جنایی به ادغام و تکثرگرایی فرهنگی موصوف رسمیت کمتری داده شود، می‌توان میزان بیشتری از شورش و ناآرامی را در آینده برای آن تصور نمود.

گفتار سوم: اصول حاکم بر سیاست کیفری

۱- اصل تدرج در تجريم

برخلاف اعتقاد برخی اساتید که معتقدند بسیاری از شرایط و پیش‌فرض‌های لازم برای تدوین یک سیاست جنایی، به معنای دقیق آن در تلقی رایج از آموزه‌های فقه جزایی وجود ندارد و این مهم نیازمند تغییر پیش‌فرض‌ها و مبانی می‌باشد (Nobahar, 2021:1059) ولیکن، می‌توان با پایبندی به پیش‌فرض‌ها و مبانی رایج در زمینه احکام جزایی شریعت به برخی از اصول سیاست‌گذاری جنایی دست یافت. یکی از مهمترین آنها بررسی پیشینه فقهی تدریجی برخی از احکام است. در بین آیات فقهی قرآن کریم برخی احکام که در آنها نیاز به مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی بوده، شارع در چندین مرحله تشریح و خصوصاً تحریم

و تجزیم را مطرح نموده است؛ مشهورترین حکم تدریجی که از دیرباز مورد توجه مفسرین و صاحب نظران بوده، حکم تحریم خمر است. حرمت ربا و حکم جهاد نیز به نظر بعضی بصورت تدریجی بیان شده است. البته باید توجه داشت که آیات ناسخ و منسوخ و احکام دارای حکم موقت و دائم اگر چه از نظر تشریح دارای ترتیب زمانی بوده و یکی پس از دیگری نازل شده اند ولیکن تفاوت عمده‌ای که با تشریح تدریجی دارند این است که در آنها نزول حکم بعدی، احکام قبلی را باطل کرده و از گردونه عمل خارج می‌کند در حالی که در تشریح تدریجی، احکام بعدی مؤید و مؤکد حکم قبلی می‌باشند (Jamshidi 2010). برای تجزیم یک رفتار و متصف نمودن عنوان مجرمانه به آن، معیارها و ضوابط گوناگونی ارائه شده است که از جمله مشهورترین آنها می‌توان به الگوی سه گانه مشتمل بر معیار عبور از صافی اشاره کرد. بر اساس این معیار جرم‌انگاری زمانی موجه خواهد بود که بتواند از سه صافی یا فیلتر عبور نماید. فیلتر نخست، «صافی اخلاق سنجی اجتماعی» یا «صافی اصول» است؛ طبق این صافی، زمانی جرم‌انگاری یک رفتار موجه خواهد بود که مسلماً آن رفتار با مبانی و اصول هنجاری و اخلاقی جامعه در تعارض باشد و اجتماع آن را مطرود و منفور بداند. فیلتر دوم به «صافی فرض ناتوانی اقدامات غیر کیفری و غیر سرکوبگر» مشهور است، بر اساس این صافی، برای توجیه جرم‌انگاری یک رفتار نه تنها آن رفتار باید در تقابل آشکار با اصول اخلاقی جامعه باشد بلکه می‌بایست ناکارایی سازوکارهای نظام اجتماعی در قبال آن رفتار نیز محرز باشد و چاره‌ای جز مداخله کیفر مدار وجود نداشته باشد. فیلتر سوم به «صافی رئالیسم عملی یا واقع‌گرایی» معروف می‌باشد بدین معنا که نظام عدالت کیفری به این نتیجه برسد که جرم‌انگاری منجر به نتایج مفید و سازنده‌ای در راستای ارتقای سطح امنیت در نظام اجتماعی خواهد شد. در سیاستگذاری جنایی و به صورت خاص در سیاست کیفری که نمود آن در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی می‌باشد، می‌بایست سیر تدریجی جرم‌انگاری و کیفرگزینی مورد توجه باشد و الا شتابزدگی و به یکباره جرم‌انگاری نمودن موضوعاتی که تا قبل از این شاید حتی ناهنجاری اجتماعی نیز محسوب نمی‌شده است، به ویژه در حوزه مسائل مرتبط با فضای مجازی می‌تواند تالی فاسدهای جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. به عنوان نمونه، قانون‌گذار در ماده ۷۵۳ قانون مجازات اسلامی چنین دارد که «هر شخصی که مرتکب تولید یا انتشار یا توزیع و در دسترس قراردادن یا معامله نرم‌افزارهای غیرقانونی شود به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». در شرایطی که صدور مجوز برای نرم‌افزارها و به صورت ویژه اینکه ملاک و معیار برای قانونی یا غیرقانونی بودن نرم‌افزارها چیست؟! و اینکه آیا در شرایطی که معمولاً نرم‌افزارهایی به روز و کارگشا توسط کشورهای توسعه‌یافته تولید و منتشر می‌شوند، آیا هرگونه توزیع یا در دسترس قرار دادن آنها به خاطر فیلتر بودن سکوه‌های آنها توسط افراد، منطقی است؟! بدیهی است چنین رویکرد تمامیت‌خواهی (صفر و صدی) در اندیشه قانونگذار، نه تنها به بازدارندگی کمک نخواهد کرد بلکه در ایجاد سردرگمی و تشویش ذهنی مجریان نظام عدالت کیفری اثری سو خواهد داشت، تا جایی که در سیاست جنایی قضایی مشاهده می‌شود برخی ارائه‌کنندگان یا فروشندگان برنامه‌های موصوف (همانند فیلتر شکن‌ها) با مسدودی حسابهای بانکی و... مورد تعقیب کیفری واقع می‌شوند و در مقابل وزارتخانه مربوطه خود از این موقعیت کمال بهره اقتصادی را می‌برد.

۲- اصل نیاز محوری

ضرورت سیاستگذاری جنایی مسبوق به وجود نیازهای بومی و داخلی است، نه نظاره‌گری تحولات علمی سایر جوامع یا شهرت یافتن برخی از گزاره‌های حقوقی نوظهور. سیاستگذاری جنایی بر اساس تبلیغات و ادعاهای عوام فریبانه تنظیم نمی‌شود، بلکه با هدف رفع نیازهای اجتماع برای هنجارسازی ارزشی وضع می‌گردد و به دنبال هدف غایی خود یعنی عدالت و افزایش آسایش عمومی است. فضای حقیقی و مجازی باید به گونه‌ای سیاستگذاری شود که هدف آن این باشد که شهروندان بتوانند از خدمات این فضا برای رفع نیازهایشان بهره بیشتری ببرند. بدین لحاظ نیازمحور بوده و در آن مشارکت واقعی میان ارائه‌کنندگان خدمات و

استفاده‌کنندگان از خدمات را می‌طلبد. همه این‌ها در شرایطی فراهم می‌شود که دولت‌ها فراتر از وظایف سنتی خود که تضمین و تامین امنیت بوده است به تامین سایر حقوق همچون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز وارد شوند. هدف اولیه یک دولت باید فراهم‌نمودن دسترسی شهروندان به پیش‌شرط‌های حقوق شهروندی باشد که در این خصوص باید قائل به وجود یک تعهد مثبت برای دولت باشیم. هدف استراتژیک هر حکومتی در محیط سایبر باید حمایت و تسهیل امور احزاب، دولت، شهروندان و مشاغل باشد. دولت‌ها مأموریت و وظیفه دارند تا در عصر حاضر با هدف ارتقای زندگی مردم در بخش‌های مختلف همچون امور اداری، مدارس، بیمارستانها، اقتصادی، نظام عدالت کیفری و ... یک سری برنامه‌های اصلاحات را در پیش‌گیرند که همسو با تحولات تکنیکی امکان خدمت‌رسانی بیشتر به شهروندان را فراهم آورد. هرچند مبحث مدرنیزه کردن دولت‌ها یک برنامه بلندمدت است اما از هم‌اکنون اتخاذ برخی تدابیر ضروری است که از عمده‌ترین آنها می‌توان به استقرار مراکز خدمات رسانی در بین شهروندان اشاره کرد. این همان مفهوم دولت شهروند محور است که به معنی مشارکت واقعی میان تأمین‌کنندگان خدمات و استفاده‌کنندگان از آن است (Kadkhodaei & SaedVakil2015:87). به عنوان نمونه شهروندان باید حق مشارکت فعال در فضای مجازی را داشته باشند و دولت مکلف است زمینه‌ها و امکانات لازم جهت تحقق این حق و نیز ارتقا مشارکت شهروندان از طریق تشویق تشکیل نهادهای مدنی، سندیکاهای حرفه‌ای، نظرسنجی‌های عمومی، مشاوره‌های تخصصی، شبکه‌های اجتماعی مجازی را فراهم آورد. به عنوان مثال در خصوص موضوع عفاف و حجاب، طرح‌های ناظر یک تا چهار (مصوب شورای امنیت کشور) این مجوز را به نیروی انتظامی داده است تا بدون دستور قضایی، راساً اقدام به پلمپ محل کسب کسبه‌ای که نسبت به ارائه خدمات به افراد فاقد حجاب شرعی نموده‌اند یا توقیف خودروهایی با این موضوع نماید. به کرات مشاهده می‌شود شهروندان خصوصاً افرادی که معیشت آنها وابسته به خودرو یا مغازه یا محل کسب آنهاست از این تصمیم زیان دیده‌اند. لذا بدیهی است چنانچه اصل نیازمحوری خصوصاً جنبه‌های اقتصادی سیاست‌های اجرایی مطمح نظر سیاست‌گذاران قرار نگیرد چه توالی فساد را در پی خواهد داشت.

۳- اصل زمان‌مندی و تغییرپذیری

در دنیایی که همسان‌شدن انسان‌ها و حذف مرزهای جغرافیایی موجب شکل‌گیری جرایمی واحد و جهانی شده است بهره‌گیری از رهیافت‌های معتبر و روز بین‌المللی و بومی‌سازی آنها اجتناب‌ناپذیر است. ظهور اشکال نوین جرایم، نیازمند سیاست‌گذاری‌های نوین و به روز، چه در جهت جرم‌انگاری و چه در جهت جرم‌زدایی می‌باشد. بدیهی است با حذف مرزهای اجتماعی و فرهنگی حکمرانان مجبور خواهند بود که بر دامنه آزادی‌های فردی افزوده و از بسیاری از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های حقوقی و سیاسی دست بردارند؛ در مقابل جرم‌انگاری به روز و به موقع رفتارهایی که نیازمند واکنش کیفری می‌باشد می‌تواند در مدیریت پدیده جنایی و مسائل پیرا حقوقی و اجتماعی آن اثرگذار باشد. تالی فاسد همسویبودن سیاست‌گذاری‌ها با تحولات روز اجتماع و تکامل علمی چون جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست جنایی نه تنها موجب عقب‌افتادگی، کهنگی و ناکارایی سیاست‌گذاری‌ها می‌گردد بلکه چه بسا، عدم اعتنا به اصل زمان‌مندی و تغییرپذیری، چه در جرم‌زدایی به روز و چه در جرم‌انگاری به موقع؛ تأثیری معکوس در اهداف سیاست‌گذاری خواهد داشت. به عبارتی سیاست‌گذاری‌ای که می‌بایست تأمین‌کننده امنیت و آسایش عمومی باشد خود می‌تواند موجب تشدید دوقطبی‌سازی بین شهروندان و حکمرانان گردد و خود زائل‌کننده امنیت و آسایش عمومی باشد. نمونه بارز این موضوع را می‌توان در ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ملاحظه کرد، زمانی که حاکمیت به دلیل بروز نبودن سیاست پیشگیرانه و واکنشی نسبت به موضوع «عفاف و حجاب» (به عنوان جرمی درجه ۸) مقدم بر هر مسئله‌ای این جرم را نشانه تعرض به اقتدار سیاسی جامعه می‌دانست. همچنین زمینه‌های دیگری که می‌تواند زمینه چنین ناآرامی‌هایی را در آینده در پی داشته باشد می‌تواند سیاست‌گذاری مطرود و ناکارآمد، با عنوان سیاست طرد اتباع غیرمجاز از کشور باشد. معمولاً این عدم سیاست‌گذاری‌های مطرود تا زمانی که شرایط

بحرانی نشده است سیاستگذاران را به تکاپو در جهت سیاستگذاری وا نمی‌دارد و در عمل ملاحظه می‌گردد سیاستگذاری‌هایی هم که در شرایط بحرانی واقع می‌شود، در عقلانی‌ترین حالت نیز، چون در شرایط بحرانی شکل گرفته است نافرجام می‌باشد. پدیده و احتمالی که دیگر اجازه نمی‌دهد بتوان با تفاسیر و ابزارهای سنتی و کلاسیک به سراغ مفهوم‌پردازی نظری و عملی در مواجهه با پدیده جرم و قانون‌شکنی رفت «سیال‌بودگی و سیال‌شدن» مشکلات فضای مجازی است؛ گزاره مهمی که حتی بر مسیر سنتی، معمول و متعارف تحلیل‌های خطی و تمرکزگرایانه از مفاهیمی نظیر جرم و انحراف خط بطلان می‌کشد.

برآمد

سیاستگذاری عمومی شاخه‌ای از علوم سیاسی است و دورنمای آنچه که سیاست باید باشد نه آنچه که هست را مورد توجه قرار می‌دهد. منظور از سیاستگذاری عمومی فرایند کشف و تنصیف مبادی و مبانی پارادایمی و سپس تئوری‌پردازی و تبعاً برنامه‌نویسی عمومی در حوزه مدیریت مسائل و موضوعات کلان در جامعه است و اعم از سیاستگذاری جنایی است که سیاست جنایی و سیاست کیفری را در خود جای می‌دهد. با این وجود، یافته‌های تجربی حاصل از پژوهش نشان می‌دهد لازمه تبیین و ارائه اصول سیاستگذاری مطلوب، تفکیک میان سه حوزه سیاستگذاری جنایی، سیاست جنایی و سیاست کیفری و تمرکز هر حوزه بر اصولی اختصاصی است. همچنین عدم توجه به این موضوع در سه دهه گذشته سیاست‌های سرگردانی را ایجاد کرده است به این دلیل که اصول حاکم بر اولی باید کلان، دومی کلی و سومی جزئی باشد و عدم تفکیک میان آن‌ها پیامدهای ناخواسته‌ای را در ارائه و بکارگیری سیاستی که باید باشد (نه آنچه هست) در بردارد. کنشگران مربوطه در خصوص سیاستگذاری جنایی، باید با نگاه فرصت-تهدید و در نظر داشتن این موضوع که دگرگونی‌های روزافزون فضای مجازی موجب تغییر ماهیت اصول حاکم بر این فضا نمی‌شود و دنیای مجازی در امتداد دنیای واقعی است و فقط شیوه‌ها و ابزارها تغییر می‌یابد از سیاستگذاری افتراقی و موردی بدون در نظر داشتن ارزش‌ها و قوانین عمومی پرهیز کنند و بر مواردی که انحصاراً در سیطره فضای مجازی است همانند رمازها روی به سیاستگذاری جنایی بیاورند. لازمه این سیاستگذاری در سطح کلان رعایت سه اصل «امنیت حریم خصوصی و اطلاعات»، «قابلیت پایداری و توسعه پایدار» و «اصل ایجاد تعادل بین ارزش‌ها و صیانت از امنیت» است که در خصوص اصل اول از آن‌جا که سوابق نشان می‌دهد؛ هدف «الزام شرکت‌های بسترهای خارجی به معرفی نماینده رسمی در داخل» ممکن نیست، پیشنهاد می‌شود؛ سیاست‌گذاران برای جلب اعتماد عمومی و نیز حفظ امنیت حریم خصوصی از طریق اطمینان بخشیدن به شهروندان با تکمیل نواقص قانون‌های موجود از جمله ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز اعتبارن‌دادن به اطلاعاتی که به صورت غیرقانونی و در نتیجه نقض حریم خصوصی به دست آمده است و جرم‌انگاری تحصیل نامشروع دلیل اقدام نمایند. در رابطه با تحقق اصل دوم نیز با توجه به این که اصل قابلیت پایداری، استفاده از فضای مجازی را برای همگان و به صورت دائمی از زمره حقوق مدنی و سیاسی قلمداد می‌کند و دولت را به عنوان متولی در سطح ملی ملزم به تأمین این اصل می‌کند و همچنین اصل توسعه پایدار با نگاه جهانی و آینده‌نگر بر امکان دسترسی به فضای مجازی برای آیندگان تأکید دارد؛ لذا پیشنهاد می‌شود در خصوص سیاستگذاری مطلوب، دولت در عرصه داخلی رویکرد حمایتی در خصوص حفظ اطلاعات ذخیره شده اشخاص داشته باشد و در عرصه بین‌المللی سیاست‌ها با یک نگاه حزم‌اندیش و در تعامل با جهان در مقابله با جنایت‌های بین‌المللی سایبری حق بر صلح و توسعه را برای آیندگان رقم بزند. تحقق اصل سوم سیاستگذاری جنایی نیز مستلزم به‌کارگیری سیاست‌های تجربه‌محوری است که علاوه بر حفظ ارزش‌ها، از امنیت شهروندان دفاع کند و از اتخاذ اقداماتی همچون فیلترگذاری باید خودداری شود.

در خصوص اصول حاکم بر سیاست جنایی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ از آن‌جا که باید به نقش مردم به عنوان مهمترین سهامدار توجه شود، سه اصل «عدالت محوری»، «شفافیت» و «پذیرش تنوع فرهنگی و حفظ انسجام اجتماعی» باید در اولویت قرار بگیرد. توجه به اصل عدالت‌محوری نشان می‌دهد که عدم همبستگی میان دولت و مردم در خصوص کنترل آسیب‌های فضای مجازی، منتهی به پیامدهای آسیب‌زا به خصوص در حوزه کودکان شده است و به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که اولاً دولت از

اقدامات تبعیض‌آمیز همچون در اختیار قراردادن سیم کارت‌های سفید خودداری نماید و ثانیاً از سیاست‌هایی همچون فیلتر (پالایش) از یک سو و فروش پالایش‌شکن از سوی دیگر خودداری کند تا بتواند با کسب سرمایه اجتماعی، از ظرفیت حداکثری مردم برای تحقق ایجاد فضای مجازی امن و حمایتی به خصوص در حوزه خانواده و کودکان استفاده نماید. همچنین اصل شفافیت در سیاست جنایی بر عدم رازداری بدون مبنا تأکید می‌کند تا اعتماد عمومی را نسبت به اقدامات کارگزاران افزایش دهد و منتهی به اجرایی‌شدن سیاست‌ها شود برخلاف برخی از سیاست‌های تقنینی و قضایی موجود در قبال فضای مجازی که اغلب مردم غریبه پنداشته می‌شوند و با استفاده حداکثری از اصل ۸۵ قانون اساسی، در مواردی اتاق شیشه‌ای نهاد قانون‌گذاری تبدیل به ساختمان محرمانه درب بسته می‌شود به گونه‌ای که لایحه و طرح‌ها همانند طرح صیانت از فضای مجازی یا در مرحله تصویب یا همانند پالایش کردن در مرحله اجرا عقیم می‌مانند. در نتیجه اگر اصل شفافیت به کار گرفته شود، می‌تواند اصل پذیرش تنوع فرهنگی که منتهی به انسجام اجتماعی می‌شود را به همراه داشته باشد و هرچقدر این اصل در سیاست جنایی که یک سیاست کلی است با توجه به زمان و مکان مورد توجه و انعطاف‌پذیر باشد، علاوه بر این که از دوقطبی‌سازی‌های کاذب جلوگیری می‌کند در مرحله اجرای سیاست‌ها، مردم مشارکت خواهند کرد. در نهایت برخلاف رویکرد فعلی که اغلب سیاست کیفری و جرم‌انگاری به عنوان اولین و اثرگذارترین سیاست محسوب می‌شود، اصول سه‌گانه سیاست کیفری حاصل از پژوهش یعنی «تدرج در تجزیم»، «نیازمحوری» و «زمان‌مندی و تغییرپذیری» نشان می‌دهد؛ زمانی تجزیم یک رفتار اثرگذار است که بدون شتاب‌زدگی ابتدا با اتخاذ سیاست‌های در دسترس، رفتارهای انحرافی گونه‌شایع در جامعه همانند استفاده از پالایش‌شکن با تمرکز بر رفع نیازهای مشروع شهروندان کاهش یابد و سپس در خصوص آن دسته از افرادی که به رفتارهای ناهنجار خویش ادامه می‌دهند، متوسل به سیاست کیفری شد و در این مسیر، زمانی سیاست کیفری موفق خواهد بود که اولاً براساس نیازهای شهروندان به‌روز باشد و ثانیاً بر ثابت و غیرقابل تغییر بودن جرم‌انگاری رفتارها اصرار نرزد و همراه با تحولات اجتماعی با حفظ ارزش‌های بنیادین، به‌صورت مداوم سیاست کیفری متحول شود.

References

1. Adams T., Policy Making in law, London, 2016, London University Press: London.
2. Alinaghi Amirhosseyn, Culture and Social Cohesion in Iran, [In Persian]. Strategic Studies Quarterly, No. 3, 1999: Tehran.
3. Alsabiei Fares Ibn Aloush Ibn Badi, The role of transparency and issues in reducing administrative corruption in government sectors, (PhD thesis in security sciences), [In Arabic] Naif Arab University in Riyadh, 2010.
4. Ameli Seyyed Saeed Reza, Two-Space Governance Model, First Edition, 2018, [In Persian]. Amir Kabir Publication: Tehran.
5. Ansari Bagher, Freedom of Information, First Edition, 2008. [In Persian], Daadgostar Publications: Tehran.
6. Bahrami Bahram, Legal and jurisprudential principles, First Edition, 2017. [In Persian], Negahe Bayyeneh Publications: Tehran.
7. Berge Achim, Improved Rules on Public Access to Documents, 2000. Stockholm University: Stockholm.
8. Brenner, Susan, Toward a Criminal law for Cyberspace: Distributed security, University of Dayton school of Law, <http://law.bepress.com/expresso/eps/>.
9. Carey, Peter, Media law, sweet & Maxwell, second edition, 1999: , London.
10. Child and Adolescent Protection Law 2020
11. Civil Code of the Islamic Republic of Iran 1928
12. Criminology in confronting political events, encyclopedia of criminal science, fourth book of empirical criminal science, First Edition, 2018, [In Persian]. Mizan Publication: Tehran.
13. Davari Ardakani, Reza, Humanities and Development Planning, Tehran, [In Persian]. Fardaei Diger Publishing House, 2018: Tehran.
14. Dawson E.T., Public Policy and Political Philosophy, Third Edition, 2014, stage publication: London.
15. Delaney Gerard, Community key Ideas, 2009, Rutledge Publication: London.
16. Esmaili Mohsen, Speeches in Media Law, Volume One, First Edition, 2017, [In Persian]. Islamic culture publishing office: Tehran.
17. Farhani, Mohammad Mehdi and Mirtrabi, Seyed Saeed and Golshani, Alireza, "The Pathology of Cyberspace Policymaking in Iran Based on the Theory of Post-developmentalism", [In Persian]. Journal of Political Science, Number 1, Serial 65, Winter 2021.
18. Farzad Alireza & Rahimi Pour Iman, Basics and Consequences of Telegram Network Filtering from the Perspective of Criminology, [In Persian]. Collection of Articles of the First Conference on the Prevention of Victimization of Women and Children in Cyber Space, 2020: Yazd.
19. Fathi Younes & Shahmoradi Kheyrollah, The Scope and Territory of Privacy in Cyberspace, [In Persian]. Legal Journal of Justice, Volume 81, Number 99, October 2016: Tehran.
20. Fazli, Mehdi, Criminal liability in cyberspace [In Persian], Khorsandi Publishing House, first edition, 2009: Tehran.
21. Foucault Michel, The Birth of Politics, Najafzadeh Reza (Translator), 10th Edition, 2021. [In Persian], Ney Publications: Tehran.
22. Firouzabadi, Seyyed Abolhasan and Azadi Ahmadabadi, Javad, Analysis of the background of cyberspace governance of the Islamic Republic of Iran [In Persian], Political Knowledge Magazine, 16, 2019: Tehran.

23. Gassin Raymond, The Crisis of Criminal policies in Western Countries, Najafi Abrandabadi Ali Hossein (Translator), Journal of Legal Research, Volume One, Number 10, 1992: Tehran.
24. Ghanimati Hassan, Management Patterns of Cultural and Religious Diversity and its Relationship with Rebellion and Cohesion, [In Persian]. Journal of Intercultural Studies, 2016: Tehran.
25. Ghomashi Saied, Re-Examination of The Concept of Criminal Policy in the Light of Public Policy, First Edition, 2022, [In Persian]. Mizan Publication: Tehran.
26. Grossi, Saeedeh, An introduction to social psychology theories [In Persian], Sociologists Publication, first edition, 2018: Tehran.
27. Heywood Andrew, Political Theory: An Introduction, Alem Abdolrahman (Translator), First Edition, 2004. [In Persian], Ghomes Publications: Tehran.
28. Hosseyni Sadrabadi Iraj & Mohammad Pour Mohammad Javad, [In Persian]. Knowledge of Public Law Quarterly, Year 12, Number 40, Summer 2023: Tehran.
29. Howlett M., Ramesh M., & Perl A., Studying Public Policy: Policy Cycles & Policy Subsystems, Monavvariyan Abbas & Golshan Ebrahim (Translators), 2001. [In Persian], Public Administration Training Center Publications: Tehran.
30. www.iranthinktanks.com/investigating-the-challenges-of-developing-the-virtual-space-ecosystem-in-the-field-of-children-and-adolescents/.
31. www.isti.ir
32. www.momtazserver.com
33. www.parsmodir.com
34. Human rights and duties from the perspective of Imam Sajjad (peace be upon him), [In Persian]. Hozva and University Magazine, No. 31, 2007.
35. Jalali Alireza & Maldar Mohammad Hassan, Feasibility of Referring to Public Opinions in the Legislation of Crime and Punishment in Islam and the Legal Systems of Iran and Italy, [In Persian]. Fiqh and Islamic Law Studies, No. 26, Spring 2022: Tehran.
36. James R, General Policy in society, 2009, Oxford University Press: Oxford.
37. James R, General Policy in society, 2009, Oxford University Press: Oxford.
38. Jamshidi Afsaneh, The Gradual Course of Expressing the Rulings in the Holy Qur'an, [In Persian]. Qur'an Research Electronic Publication, second year, seventh issue, 2010.
39. Jom'e Pour Mahmoud, The Main Factors in the Process of Sustainable Development of People, Resources and Spaces and the Map of People's Participation in it, [In Persian]. Social Sciences Quarterly, Volume 10, Number 22, September 2002: Tehran.
40. Jonathan P.G., Social Oriented policy, 2012, London.
41. Kadkhodaei Abbasali & Saed Vakil Amir, Citizen rights on the Internet, First Edition, 2015, [In Persian]. Javdaneh Jangal Publications: Tehran.
42. Kelly John M., A Short History of Western Legal Theory, Rasekh Mohammad (Translator), First Edition, 2003, [In Persian], Tarhe No Publications: Tehran.
43. Lazerges Christine, Introduction à La Politique Criminelle, Najafi Abrandabadi Ali Hossein, (Translator), 5th Edition, 2021. [In Persian], Mizan Publications: Tehran.
44. Mohaghegh Damad Seyyed Mostafa, Jurisprudence Rules 5, General Section, the Responsibility of the Government Towards the Citizens, First Edition, 2020, [In Persian]. Islamic Sciences Publication: Tehran.
45. Morad Hasel Niloufar & Mazini AmirHosseyn, Investigating the Effect of Using the Capabilities of Virtual Space in the Realization of Sustainable Urban Development in Iran, [In Persian]. Journal of Environmental Science and Technology, No. 22, 2014: Tehran.
46. Nobahar Rahim, The Feasibility of Criminal Policymaking in the Light of Islamic Teachings (Dynamic Criminal Law, Collection of Categories under the Care of Prof. Dr. Mohammad Ali Ardabili), 2022, [In Persian]. Mizan Legal Publication: Tehran.
47. Sadeghi Didokht, Development in the Concept of the Principle of Non-Interference in International Law, [In Persian]. International Relations Studies Quarterly, Volume 4, Number 16, 2010: Tehran.
48. Sarikhani Adel & Akrami Sarab Rouhollah, Preventive Functions of Transparency in Criminal Policy, [In Persian]. Judiciary Law Journal, No. 82, Summer 2013: Tehran.
49. Shiri, Abbas, Criminal policy making about the rights of Victims [In Persian]. Iranian Journal of public Policy, vol9, No.2, 2023: Tehran.